

عمل‌زدگی در اندیشه دینی

علی‌اکبر عبادی نیک^۱ و علی عباسی^۲

چکیده

دین در زندگی انسان، کارکردهای گوناگون معرفتی، عملی، معنوی، مادی، اخروی و دنیایی دارد. توجه به این کارکردها در شناخت، تبیین و تبلیغ دین، فوایدی می‌تواند داشته باشد؛ مانند تسهیل پذیرش دین، بالارفتن کیفیت اعمال، روشن‌شدن پیوند مسائل دینی با زندگی و بیان عدم تنافی میان دین و علم.

ازسویی، توجه افراطی و خارج از ضابطه به کارکردها و اثرات دین، به‌خصوص کارکردهای عملی و دنیایی دین و به‌عبارت‌دیگر، «عمل‌زدگی» در توجه به آثار دین، آفات جدی در مسیر دین‌داری افراد و ترویج دین می‌تواند ایجاد کند؛ آفاتی همچون نگاه ابزاری به دین، جایگزین‌پذیری در تکالیف دینی، تفسیرها و تأویل‌های ذوقی و بدون مدرک از دستورهای دینی، ایجاد دل‌زدگی نسبت به تکالیف دینی با تأمین‌نشدن انتظارات مادی، غفلت از کارکردهای اصلی دین، تضعیف روحیه تعبد در افراد نسبت به دستورها و... برخی روشنفکران معاصر مانند دکتر **شریعتی** و دکتر **پاک‌نژاد** به دلیل توجه افراطی به آثار عملی و دنیایی دین، در ورطه عمل‌زدگی در تبیین دین افتاده‌اند.

واژگان کلیدی: عمل، ابزارانگاری، کارکرد، کارکردگرایی، عمل‌زدگی.

تاریخ تأیید: ۱۳۹۴/۱۲/۱۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۰/۱

۱. دانشجوی دکتری کلام اسلامی جامعه‌المصطفی‌العالمیه / نویسنده مسئول (hamedany60@gmail.com).

۲. استادیار جامعه‌المصطفی‌العالمیه (abbasi8177@gmail.com).

مقدمه

انسان موجودی است که ساخت‌ها و شئون وجودی گوناگونی دارد که عمدتاً در دو ساخت «معرفتی» و «رفتاری» - یا علمی و عملی - خلاصه می‌شود. نیازهای انسان نیز غالباً به این دو ساخت برمی‌گردد.

یکی از برکات و ارمغان‌های دین (دین نازل شده از سوی خدای متعال) برای انسان، تأمین نیازهای معرفتی و رفتاری انسان است؛ یعنی حقایق عالم را برای او آشکار ساخته، راه معرفت به آنها را باز می‌کند و ازسویی راه عمل و رفتار صحیح و سعادت‌مندانه را نیز به او نشان می‌دهد. به عبارت دیگر، دین هم کارکردهای معرفتی و هم کارکردهای عملی دارد و ازسوی دیگر، هم اثرات معنوی بر زندگی انسان دارد و هم در زندگی مادی و دنیایی او - با جهت‌گیری خاص الهی - اثرگذار است و ما در شناخت، تبیین و تبلیغ دین باید به همه این ابعاد توجه کنیم. در آثار برخی اندیشمندان، توجه افراطی و خارج از ضابطه به کارکردهای عملی - مخصوصاً کارکردهای دنیایی - دین مشاهده می‌شود که می‌توان از آن به «عمل‌زدگی» یاد کرد.

ما در مقاله حاضر درصدد ارزیابی این عمل‌زدگی در اندیشه دینی هستیم؛ بدین منظور پس از ذکر برخی فواید و مضرات توجه به آثار عملی دین، به بیان نمونه‌هایی از این عمل‌زدگی در اندیشه برخی روشنفکران معاصر مانند دکتر علی شریعتی، مهندس مهدی بازرگان و شهید دکتر پاک‌نژاد خواهیم پرداخت و آنها را نقد و بررسی خواهیم کرد.

۱. تبیین اصطلاحات

به جهت روشن شدن هرچه بیشتر موضوع بحث و نیز جلوگیری از سوء برداشت و مغالطه در بحث، لازم است نخست اصطلاحات اصلی بحث به شکل روشن و دقیق تبیین شوند؛ بدین منظور به تبیین اصطلاحات می‌پردازیم.

۱-۱. عمل و عمل‌گرایی

مقصود از «عمل» در عنوان «عمل‌گرایی»، همان «کارکرد» یا «اثر عملی» یک پدیده است که معادل فانکشن (Function) در زبان لاتین است؛ در نتیجه «عمل‌گرایی» نیز مترادف «کارکردگرایی» خواهد بود.

این اصطلاح در جامعه‌شناسی وقتی به دین نسبت داده می‌شود، مقصود معنای عام آن است که شامل خدمات، غایات و اغراض، آثار و تبعات پنهان و آشکار، مقصود و غیرمقصود دین در جامعه می‌شود که قوام، بقا و تعادل آن را به‌دنبال دارد، ولی در حوزه دین‌پژوهی، مقصود از کارکرد دین، مطلق خدمات و آثار دین در جامعه و افراد است (سبحانی‌نیا، ۱۳۸۷، ص ۲۷).

۱-۲. عمل‌زدگی

توجه افراطی به کارکردها و آثار عملی و دنیایی دین که به بروز آفات و خروج از مسیر صحیح دینداری و دورشدن از اهداف واقعی دین منجر شود را می‌توان عمل‌زدگی نامید.

۲. فواید توجه به آثار عملی و دنیایی آموزه‌های دینی

همان‌گونه که در مقدمه ذکر شد، توجه به کارکردها و آثار عملی آموزه‌های دینی به‌شرط ضابطه‌مندبودن، فوایدی را به‌دنبال دارند که در ادامه به ذکر این فواید خواهیم پرداخت.

۲-۱. تسهیل پذیرش دین برای افراد

بسیاری از افراد به‌ویژه در سطح عمومی جامعه که بیشتر تابع احساسات و بینش‌های سطحی‌اند، با دانستن کارکردهای گوناگون دین، به سمت دین و دینداری جذب می‌شوند. در رویارویی با این دسته افراد، گاهی بهترین و محکم‌ترین ادله عقلی و کلامی برای اقناع و جذب آنها به سمت دین، کارایی ندارد، ولی وقتی آثار مختلف دین در زندگی دنیایی و مهم‌تر از آن، در زندگی جاودانه اخروی آنها، بیان شود، پذیرش دین برای آنها ساده‌تر خواهد بود. و البته بعد از این مرحله که نوعی تمایل به دین در افراد ایجاد شد و به عبارتی موضع انکاری آنها برطرف شد، باید با استفاده از ادله عقلی متناسب با سطح درک آنها، دینداری افراد، مستحکم و مبتنی بر ادله شود. در قرآن کریم نیز خدای متعال در مقام دعوت مردم به دینداری، به بیان کارکردهای دین نیز توجه می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ
(انفال: ۲۴).

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ
لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (نحل: ۹۷).

خدای متعال در دعوت مردم به استجابات دین و عمل به دستوره‌های دینی، ثمره و کارکرد آن را متذکر می‌شود که دین باعث حیات انسانی و واقعی انسان‌هاست.

همچنین حضرت نوح در مقام دعوت مردم به ارتباط با خدای متعال و بازگشت به سمت او، آنها را به استغفار و طلب بخشش از خدای متعال فرامی‌خواند و برای تشویق و ترغیب مردم به این کار، آثار و فواید استغفار و بازگشت به سمت خدای متعال را برای آنها بیان می‌کند که با استغفار علاوه بر آمرزش گناهان، از نعمت‌های مادی خدای متعال همچون نزول باران، اموال و اولاد بهره‌مند خواهید شد (نوح: ۱۰-۱۲).

از این رو ذکر کارکردها می‌تواند عامل تشویق و ترغیب افراد به دینداری و عمل به تکالیف دینی باشد.

۲-۲. بالارفتن کیفیت اعمال

وقتی انسان، عملی را بدون توجه به معنا، مفهوم، حکمت و کارکردهای آن انجام می‌دهد، چه بسا نتواند عمل را با کیفیت مطلوب بجای آورد. غالباً افراد این‌گونه‌اند که با دانستن حکمت‌های نهفته در یک دستور الهی و ثمرات و کارکردهای آن، عمل را با توجه و کیفیت بهتری انجام می‌دهند؛ برای مثال، وقتی افراد به این مسئله توجه کنند که یکی از کارکردهای روزه، درک حال مستمندان یا تذکر به تشنگی و گرسنگی قیامت است، طبیعتاً این توجه، در ایجاد چنین حالتی برای آنها مفید خواهد بود و عمل را با کیفیت بهتری انجام می‌دهند. وقتی افراد توجه کنند که کارکرد زکات، علاوه بر کمک به مستمندان، برکت در روزی خود زکات‌دهنده بوده، پاک‌کننده جان و روح وی می‌باشد، با میل و رغبت بیشتری به انجام این کار مبادرت خواهند کرد و به دنبال حیل فرار از زکات نخواهند بود؛ به همین دلیل می‌توان از توجه به کارکردهای اعمال در بالابردن کیفیت اعمال استفاده کرد.

۲-۳. روشن شدن پیوند مسائل دینی با زندگی

یکی از مزایای بیان کارکردهای عملی و دنیایی دین، نشان‌دادن پیوند مسائل دینی با مسائل فردی و اجتماعی زندگی است که خود در ترویج و تقویت باورهای دینی نقش بسزایی دارد.

یکی از راه‌های مبارزه با دین و ترویج دین‌گریزی که از سوی دشمنان همیشه استفاده

شده است، القای تضاد و تنافی میان دین و زندگی دنیایی و بهره‌مندی از مواهب دنیایی و القای عدم توجه دین به زندگی دنیایی افراد و منحصر کردن کارکرد دستوره‌های دینی در مسائل اخروی است.

برای مقابله با این روش دشمن، یکی از حرکت‌های مفید، بیان کارکردهای مثبت و متنوع دنیایی و اخروی دین و دستوره‌های دینی در زندگی فردی و اجتماعی افراد است. با این کار می‌توان نشان داد که دین، نه تنها افیون، مخدر و مخرب نیست، بلکه حضور دین در جامعه و زندگی افراد، برکات و ثمرات فراوانی به دنبال دارد و به عبارت دیگر، دین و دینداری، زندگی دنیایی و حیات اخروی افراد را سامان می‌دهد و بالاتر اینکه عدم حضور دین در زندگی، خسارت‌های جبران‌ناپذیری به دنبال خواهد داشت؛ مخصوصاً این مسئله با توجه به کارکردهای بی‌بدیل دین روشن‌تر می‌شود.

استاد مطهری درباره مبارزه با مادی‌گری می‌فرماید:

یک گام مبارزه با مادی‌گری، عرضه کردن یک مکتب الهی است. ... در مرحله دوم باید پیوند مسائل الهی با مسائل اجتماعی و سیاسی مشخص شود. مقام مکتب الهی از نظر پشتوانه بودن حقوق سیاسی و اجتماعی روشن گردد (مطهری، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۵۸۴).

بیان کارکردهای دستوره‌های دینی، هم باعث فهم پیوند این دستورها با زندگی انسان‌ها می‌شود و هم حس قدردانی نسبت به دین را در افراد، زنده می‌کند. وقتی خدای متعال کارکرد حکم فی‌ء را این‌گونه بیان می‌فرماید که این حکم مانع تجمیع مال در دست عده معدودی از ثروتمندان و ایجاد فاصله طبقاتی است (حشر: ۷)، توجه به این بیان پیوند دستوره‌های دینی با عدالت اجتماعی که خود مقدمه حرکت افراد جامعه به سمت قرب الهی است را نشان می‌دهد.

هنگامی که امام سجاد^{علیه السلام} به بیان کارکردهای حج می‌پردازد: «حُجُّوا وَ اغْتَمِرُوا تَصِحَّ أَجْسَامُكُمْ وَ تَتَّسِعَ أَرْزَاقُكُمْ وَ يَصْلَحَ إِيمَانُكُمْ وَ تُكْفَوُا مَثْوَنَةَ النَّاسِ وَ مَثْوَنَةَ عِيَالِكُمْ» (ابن بابویه، ۱۴۰۶، ص ۴۷)، این بیان پیوند دین با زندگی دنیا و آخرت را به خوبی به افراد نشان می‌دهد و سببیت دین برای خوب‌زیستن را بیان می‌کند.

۲-۴. بیان عدم تنافی میان دین و علم

برخی این‌گونه وانمود می‌کنند که میان دین و دستوره‌های دینی با علم تجربی تنافی وجود دارد و

دستورهای دینی با دستاوردهای علوم تجربی سازگار نیستند؛ برای مثال بعضی مدعی شده‌اند با تحقیقات تجربی ثابت شده است که روزه باعث ضعف جسمانی و امراض گوارشی می‌شود؛ پس این دستور دینی با دستاوردهای تجربی سازگار نیست.

گذشته از اینکه اصل حجیت و به‌عبارت‌دیگر، یقین‌آوردن علوم تجربی مخدوش و محل تردید است که در مباحث فلسفه علم بدان پرداخته می‌شود، ولی با بیان بعضی از کارکردهای مادی دستورهای دینی نیز می‌توان بطلان این‌گونه نظرات را نشان داد؛ مثلاً یک پزشک با بیان کارکردهای مفید روزه در بدن انسان، می‌تواند ادعای تنافی آن با تحقیقات را رد کند.

دکتر **پاک‌نژاد** درباره انگیزه خود از تألیف کتاب **اولین دانشگاه و آخرین پیامبر**، می‌گوید:

عده‌ای می‌گویند علم جایی برای دین باقی نگذاشته است و مذاهب مضطرب و سرگردان دست و پا برمی‌چینند. اسلام نیز نقش خود را در جهان ایفا کرده و اندک‌اندک، رخت برمی‌چیند؛ لذا خواستم نشان دهم که معلومات اندک من توانست برای طرد این عقیده، جولان کند و مجموعه‌ای از طب بهداشت اسلامی که بنده یک نفر، پزشک نوشتم، قدرت داشت خلاف این مدعا را ثابت کند (پاک‌نژاد، ۱۳۶۱، ج ۱، ص ۲۷۷).

۳. آفات توجه افراطی به آثار عملی و دنیایی آموزه‌های دینی

توجه افراطی و خارج از ضابطه به کارکردها و آثار عملی دین که از آن می‌توان به «عمل‌زدگی» یاد کرد، می‌تواند باعث بروز آفاتی شود که در ادامه به برخی از این آفات اشاره می‌شود.

۳-۱. نگاه ابزاری به دین

نگاه عمل‌گرایانه به دین و استفاده از روش کارکردگرایی، می‌تواند سبب ایجاد نگاه ابزاری به دین شود؛ مخصوصاً افراط در بیان کارکردهای دنیایی، این حالت را در رویارویی با دین پدید می‌آورد که دین به ابزاری در جهت تأمین منفعت‌طلبی و سودجویی افراد تبدیل شود، بدون لحاظ حقانیت یا بطلان آن. به‌عبارت‌دیگر، در تلقی ابزارانگاران از دین، حقانیت یا بطلان دین اهمیتی ندارد، بلکه مهم تأمین منافع و کارکرد دین است؛ بنابراین چه‌بسا کسی به دین به‌عنوان حقیقت الهی که سعادت انسان در گرو آن است، اعتقادی نداشته باشد، ولی به‌جهت کارکرد آن، در ظاهر به دستورهای دینی عمل کند و آن را تأیید نماید.

در منطق دین اگرچه تکالیف و آموزه‌های دینی کارکردها، آثار و برکات دنیایی نیز به دنبال دارد، ولی نباید انگیزه افراد از انجام دستورهای الهی، منفعت‌طلبی و سودجویی دنیایی باشد. بر اساس بیانات مفسر کبیر علامه طباطبایی، خدای متعال در آیه شریفه «فَابْتَغُوا عِنْدَ اللَّهِ الرَّزْقَ وَاعْبُدُوهُ وَاشْكُرُوا لَهُ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ» (عنکبوت: ۱۷)، عبادت به انگیزه افزایش رزق را نهی کرده است، بلکه انگیزه عبادت را معاد و حسابرسی قیامت مطرح می‌کند. در کتب فقهی نیز اشاره شده است که مخصوصاً در تکالیف عبادی اگر عمل فقط به انگیزه کارکرد و منفعت آن انجام شود، از نظر فقهی مجزی بودن عمل محل اشکال است.

این نگاه ابزاری و توجیه حضور دین، فقط بر اساس کارکردهای دنیایی آن در نظر بعضی از روان‌شناسان و جامعه‌شناسان کارکردگرا کاملاً مشهود است؛ برای مثال آگوست کنت از جامعه‌شناسان غربی معتقد است دین به دلیل کارکرد اساسی که برای جامعه دارد - یعنی وحدت اجتماعی میان اعضای جامعه - ضرورت دارد (آذربایجانی، ۱۳۸۷، ص ۸۵).

یکی دیگر از جامعه‌شناسان در تعریف دین می‌گوید:

دین مجموعه‌ای از باورداشت‌ها و عملکردهاست که مسئول حفظ همبستگی اجتماعی و تنظیم و هدایت تغییرات اجتماعی می‌باشد (همیلتون، ۱۳۸۷، ص ۳۰).

نگاه ابزاری به دین، در سخنان مذکور کاملاً روشن است. این اندیشمندان کارکردگرا دین را نه به عنوان حقیقتی الهی، بلکه فقط به عنوان یک راه تأمین منافع فردی یا اجتماعی توصیه می‌کنند و حضور دین در جامعه را نه از اعتقاد به آن، بلکه به عنوان ضرورتی اجتماعی در جهت تأمین کارکردها می‌دانند و پیداست که ترویج این نگاه به دین در جامعه، چیزی از حقیقت دین باقی نخواهد گذاشت؛ زیرا هر شخصی بر اساس منفعت‌طلبی و توقعات خود، دستورهای دین را مورد توجه و عمل خود قرار می‌دهد، نه اینکه تسلیم در برابر دین به عنوان معارف حقیقی و برنامه الهی برای سعادت انسان باشد.

۲-۳. جایگزین‌پذیری در تکالیف دینی

دومین آفت عمل‌گرایی افراطی در رویارویی با دین و تکالیف دینی که در واقع پیامد همان نگاه ابزاری به دین و دستورهای دینی است، ایجاد این توهم در افراد است که تکالیف دینی

جایگزین پذیر است؛ بدین معنا که اگر ملاک انجام اعمال دینی، کارکرد آنهاست، در صورتی که این کارکرد توسط امر دیگری حاصل شود، قابلیت جایگزینی با آن امر دینی را دارد. اگر روزه به خاطر سلامتی جسم است، این کارکرد با رژیم‌های غذایی نیز قابل تحصیل می‌باشد؛ پس می‌توان به جای روزه از آنها بهره برد. اگر ملاک وجوب وضو، نظافت و تمیزی بدن است، این نتیجه از راه‌های دیگری به شکل بهتر و کامل‌تر حاصل می‌شود و می‌توان به جای وضو، آن اعمال را انجام داد. اگر کارکرد تقوا منحصرأ ایجاد نظم اجتماعی است، این فایده را از راه وضع مقررات اجتماعی نیز می‌توان تحصیل کرد.

به عبارت دیگر، استفاده بی‌ضابطه و افراطی از روش کارکردگرایی در تبیین تکالیف عملی و اخلاقی دین، نوعی احساس بی‌نیازی به دستورهای دینی را به دنبال خواهد داشت؛ چنان که امروزه در بعضی از اندیشه‌های انحرافی مانند برخی عرفان‌های کاذب، تمرکز و تفکر یا مراقبه را به جای نماز و نیایش ترویج می‌کنند؛ با همین توجیه که مهم، تحصیل مراقبه و توجه به یک قدرت بی‌نهایت درونی است. ترویج تمرینات یوگا به جای مناسک دینی نیز از این دست می‌باشد.

۳-۳. تفسیرها و تأویل‌های ذوقی و بدون مدرک از دستورهای دینی

یکی از پیامدهای افراط در کارکردگرایی و سعی در یافتن کارکردهای دنیایی و بشری برای اعمال و دستورهای دینی این است که افراد، به خصوص کسانی که از تخصص لازم در مسائل معرفتی و عمیق اسلام برخوردار نیستند، با انگیزه‌های گوناگون، دچار برخی تأویل‌های بی‌اساس از معارف و تکالیف دینی می‌شوند؛ به اصطلاح، تفسیر «بمالایرضی صاحبه» می‌کنند.

برخی افراد در بیان حکمت وضو این‌گونه گفته‌اند:

یکی از کارکردهای مادی وضو، پاکیزگی و بهداشت اعضایی است که بیشتر در معرض ارتباط با میکروب و کثافات است و لذا مردم باید روزی چندبار این اعضا را به‌عنوان وضو بشویند (صانعی، ۱۳۸۵، ص ۱۸۳).

دکتر **پاک‌نژاد** معتقد است علت پرهیز از نجاسات ظاهری و باطنی در اسلام، میکروب‌هایی‌اند که در آنها وجود دارد. از نظر وی کارکرد اصلی حلال و حرام و امر و نهی در شریعت، دوری‌جستن از بیماری‌های واگیردار است و اسلام از این راه از بسیاری مرگ‌ومیرها جلوگیری کرده است (پاک‌نژاد، ۱۳۶۱، ج ۱، صص ۴۹ و ۸۰).

موارد پیش گفته، نمونه‌هایی از این تأویل‌های ذوقی در بیان کارکرد دستوره‌های دینی است که هیچ دلیلی برای انتساب این مطالب به اسلام و غرض شارع وجود ندارد، بلکه در مواردی دلیل قطعی بر رد آنها وجود دارد؛ مثل حکمت وضو که در روایت امام رضا علیه السلام خضوع و تواضع در برابر خدای تعالی مطرح شده است (ابن بابویه، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۲۸۰)، نه بهداشت اعضا که اگر غرض این بود، نیازی به نیت و قصد قربت در آن نبود. اهتمام اسلام به پاکی و بهداشت، سخن حقی است، ولی این امر نباید باعث شود همه مسائل را به این جهت تفسیر کنیم.

۳-۴. ایجاد دل‌زدگی نسبت به تکالیف دینی با تأمین نشدن انتظارات مادی

چند سال نماز خواندیم، چه شد؟ چه ثمری برای ما داشت؟ این همه عبادت کردیم، چه حاصلی داشت؟ بارها به زیارت رفتیم، اما هنوز در زندگی مشکلات زیادی داریم! چرا برخی افراد که اهل عبادت هم نیستند، زندگی راحت‌تر و بهتری دارند؟

این جملات و مانند آن، جملاتی‌اند که گاهی از زبان برخی افراد شنیده می‌شود؛ به دلیل اینکه تصور آنها این‌گونه بوده است که عبادت، تعبد و انجام دستوره‌های دینی حتماً باید ثمره‌ای مادی و محسوس برای آنها داشته باشد و هنگامی که این انتظار آنها بر نمی‌آید، دچار دل‌زدگی از عبادت و انجام دستوره‌های دینی می‌شوند.

یکی از آفات استفاده بی‌ضابطه از روش کارکردگرایی در تکالیف عملی دین، ایجاد همین تصور و توهم در افراد است که هر عملی حتماً باید یک ثمره نقد دنیایی، بلکه مادی و محسوس داشته باشد؛ حال آنکه اگرچه مجموعه دستوره‌های دینی برای زندگی دنیایی ما آثار و برکات فراوانی به دنبال دارد، این‌گونه نیست که همه اعمال و عبادات، دارای کارکرد دنیایی، مادی و محسوس باشند، بلکه مهم‌ترین کارکرد برخی اعمال مخصوصاً تعبدیات، کارکرد معنوی و قربی است.

۳-۵. غفلت از کارکردهای اصلی دین

یکی از ضوابط روش کارکردگرایی در تبیین دین، توجه به همه کارکردهای دین و آموزه‌های دینی است؛ اعم از کارکردهای دنیایی، اخروی، مادی و معنوی و اینکه آنچه اصالت دارد، کارکردهای اخروی است. با توجه به این نکته، باید گفت یکی از آسیب‌های استفاده خارج از

ضابطه از روش کارکردی، غفلت از کارکردهای اصلی دین و توجه افراطی به کارکردهای تبعی و دنیایی آن است. به عبارت دیگر، این نوع استفاده از روش کارکردی، باعث دنیایی شدن دین و منحصر کردن آن در فواید دنیایی و محسوس است و اساساً برخی رسالت اصلی دین را در خدمت به زندگی دنیای افراد می‌دانند و بس؛ که درحقیقت این نگاه، نوعی شرک است. ادعای اینکه هدف نهایی پیامبران، فلاح دنیوی است و فلاح دنیوی جز برخورداری از مواهب طبیعت و زندگی در سایه عدل، آزادی، برابری و برادری نیست، ماده‌پرستی است (مطهری، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۱۷۶).

این مسئله باعث غفلت از اغراض و اهداف اصلی و واقعی اعمال که همان تقرب به خدای متعال در سایه اخلاص و بندگی در برابر خداست، می‌شود و به نوعی دین‌داری متوقف بر منفعت دنیایی را دامن می‌زند و خدای متعال این نوع دین‌داری را مذمت فرموده است: «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَعْْبُدُ اللَّهَ عَلَىٰ حَرْفٍ» (حج: ۱۱).

همچنین این نوع نگاه به دین، به نوبه خود باعث انحرافات دیگری در فهم و تفسیر دین خواهد بود.

دکتر شریعتی از جمله کسانی است که به نظر می‌رسد به این آفت مبتلا شده است. ایشان درباره توجه قرآن به محسوسات و معنویات، دچار سوء برداشت شده است و گویی قرآن را از

توجه دادن به مسائل فرامادی بری می‌داند. نمونه‌ای از کلام ایشان را ذکر می‌کنیم:

تمام قرآن توجه به جزئیات است، توجه به محسوسات است، توجه به غذاست، توجه به شتر، به زمین، به آثار گذشته، به ستاره، به زیتون، به گیاه و به قلم است. تمام قسم‌هایی که قرآن می‌خورد، قسم‌های مادی است و محسوس و واقعی. هیچ وقت به جوهر به هیولی و مثل و صورت و حتی عقل و عقل اول و لوح و... قسم نمی‌خورد (شریعتی، ۱۳۷۸، ج ۳، ص ۵۰).

اکنون در نقد سخن دکتر شریعتی، فقط به همین نکته بسنده می‌کنیم که ظاهراً ایشان آیات فراوانی را که به امور غیرمادی قسم یاد شده است، توجه نکرده است. برخی از این آیات بدین قرار است:

فَوَرَبِّ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقٌّ مِّثْلَ مَا أَنَّكُمْ تَنْطِقُونَ (ذاریات: ۲۳).

وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا (شمس: ۷).

وَالصَّافَّاتِ صَفًّا (صافات: ۱).

وَ الْمُرْسَلَاتِ عُرْفًا فَالْعَاصِفَاتِ عَصْفًا وَ النَّاشِرَاتِ نَشْرًا (مرسلات: ۱-۳).

۳-۶. تضعیف روحیه تعبد در افراد نسبت به دستورها

همان‌گونه که در مباحث اصولی به اثبات رسیده است، ما در اصول دین به تحصیل علم و یقین به آموزه‌های اعتقادی موظفیم و تعبد و تقلید در اصول اعتقادی، روا نیست (طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۲۴)، ولی در فروع دینی و تکالیف شرعی، پس از اثبات حکم و اطمینان به مدرک حکم،^۱ نیازی به کشف حکمت و اثر نهفته در حکم نیست و انجام عمل، متوقف بر آن نیست. بسیاری از فروع دینی تعبدی‌اند؛ یعنی صرف دستور شارع، باید پذیرفته شوند، هرچند حکمت آن منکشف نشود. حتی اگر حکمت و کارکرد حکمی منتفی شود، حکم برجای خود باقیست؛ زیرا احکام دائرمدار حکمت نیستند (نایینی، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۱۱۶).

یکی از آفات افراط در روش کارکردی در تکالیف عملی و استفاده بی‌ضابطه از این روش، این است که چنین توهمی را برای افرادی ایجاد می‌کند که تا حکمت و اثر حکم را ندانند، نباید آن را انجام دهند؛ بنابراین هنگامی که فقیه با استفاده از ادله، حکمی را مطرح می‌کند، این دسته افراد، انجام آن حکم را متوقف بر فهم حکمت، اثر و کارکرد آن می‌کنند؛ با این بیان که تا نفهمم این حکم چه ثمره‌ای دارد، انجام نمی‌دهم.

عمل‌زدگی و توجه افراطی به کارکردهای عملی دین و آموزه‌های دینی، انحرافی است که گاهی بعضی روشنفکران به آن مبتلا شده‌اند و در نتیجه در تفسیر دین نیز همان نگاه را اعمال کرده‌اند و از حوزه‌های معرفتی دین غفلت کرده‌اند که در ادامه به طرح و بررسی برخی از این دیدگاه‌ها می‌پردازیم.

۴. نمونه‌هایی از عمل‌زدگی در اندیشه روشنفکران معاصر

پس از بیان فواید توجه ضابطه‌مند به کارکردهای آموزه‌های دینی و آفات توجه افراطی به کارکردها (عمل‌زدگی)، به بیان نمونه‌هایی از عمل‌زدگی در اندیشه دینی برخی روشنفکران معاصر می‌پردازیم.

۱. منظور از مدرک برای مجتهد، همان ادله فقهی معتبر همچون کتاب و سنت و برای مقلد، قول و فتوای مجتهد است.

۱-۴. عمل‌زدگی در اندیشه دکتر شریعتی

دکتر شریعتی یکی از روشنفکرانی است که به این آفت مبتلا شده، همین امر سبب اشتباهات، بلکه انحرافات زیادی در نگاه و اندیشه دینی وی شده است. تفسیرهای کاملاً دنیایی از آموزه‌های اعتقادی دین، نفی توجه دین به مسائل فکری و انحصار دین در مسائل جزئی و حسی و کارکردهای دنیایی و مادی از این دست است.

وی در تعریف کفر و دین، مؤلفه‌های فکری و اعتقادی را از آن نفی می‌کند و کفر و دین را دائرمدار اعمال می‌داند:

کفر را در قرآن نگاه کنید، همواره تعریف کفر و دین، تعریف به عمل است، نه تعریف به ذهنیت. *أرأیت الذی یکذب بالذین؟ دیدی آدمی را که اصلاً تکذیب دین می‌کند، یعنی مذهب را نفی می‌کند؟ خوب چه کسی است آنکه مذهب را تکذیب می‌کند؟ آن کسی که متافیزیک را نفی می‌کند؟ خدا را نفی می‌کند؟ روح را نفی می‌کند؟ قیامت را نفی می‌کند؟ اینها را تکذیب می‌کند؟ عقیده به اینها ندارد؟ خیر! تمام تعریف در این سوره تعریف به عمل است. *فذلک الذی یدع الیتیم، این تعریف لامذهب و تعریف ماتریالیست است. و لایحض علی طعام المسکین، این آدمی است که مذهب ندارد. این تعریف دین است. همه‌جا این‌طور است و همه‌جا قرآن این‌جور است وقتی که از کفر صحبت می‌کند - برخلاف ما - مسئله ذهنی مطرح نیست (شریعتی، ۱۳۷۸، ج ۱۷، ص ۱۵۵).**

مخالفت این سخنان با منطق قرآن، نیاز به توضیح چندانی ندارد. در منطق قرآن، یکی از اهداف مهم انبیا، مبارزه با اعتقادات و افکار غلط و شرک‌آلود است. جایگاه ایمان و اعتقاد صحیح در منطق قرآن، از اصول مسلم است. در ذیل فقط به نمونه‌ای از این آیات اشاره می‌شود:

أَفِي اللَّهِ شَكَّ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ (ابراهيم: ۱۰).
 اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ
 لِيَتَلَمَّوْا أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا
 (طلاق: ۱۲).

فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا
 انْفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (بقره: ۲۵۶).
 وَمَنْ يَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا بُرْهَانَ لَهُ بِهِ فَإِنَّمَا حِسَابُهُ عِنْدَ رَبِّهِ إِنَّهُ لَا
 يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ (مؤمنون: ۱۱۷).
 كَذَلِكَ يَبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ (بقره: ۲۱۹).

در معارف ائمه اطهار علیهم‌السلام اعتقاد صحیح، مبنای عمل صحیح است و عمل تا بر فکر و عقیده درست منطبق نباشد، باعث نجات عامل آن نمی‌شود. امام صادق علیه‌السلام در این باره می‌فرماید: «لَوْ أَنَّ الْعِبَادَ وَصَفُوا الْحَقَّ وَ عَمِلُوا بِهِ وَ لَمْ يَعْقِدْ قُلُوبُهُمْ عَلَى أَنَّهُ الْحَقُّ مَا انْتَفَعُوا» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۵، ص ۲۸۱).

علاوه بر مطالب پیش‌گفته، باید گفت در آیه مورد بحث دکتر **شریعتی**، مسئله منکران قیامت مطرح است و دین به معنای روز جزاست (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲۰، ص ۳۶۸) و آیه در مقام توصیف منکران روز جزاست.

جایگاه عمل و اهمیت آن در اسلام، بسیار روشن است، ولی باید توجه کرد این امر به معنای نفی مسائل معرفتی نیست، اما ایشان به جهت عمل‌زدگی که پیش‌تر اشاره شد، دچار چنین تفسیرهایی از دین شده است. حضرت آیت‌الله **مصباح یزدی** در مصاحبه‌ای، عمل‌زدگی دکتر **شریعتی** و شرایط ایجادشده در جامعه آن روز را این‌گونه توصیف کرده است:

متأسفانه در آن زمان، به قول شهید **مطهری**، یک گرایش عمل‌زدگی پیدا شده بود که خیلی به اعتقاد بها نمی‌دادند و ملاک را رفتار خارجی می‌دانستند. کم‌کم به واسطه شیوع افکار شریعتی، بهایی که باید به ایمان و عقیده بدهند، کم‌کم شد و عمل ملاک شد! یعنی همین عمل پارسایی، زهد و... کار به اینجا رسید که ملاک عمل است و اگر کسی برای مردم، برای خلق تلاش کند، مبارزه کند، فرق نمی‌کند مسلمان باشد یا غیرمسلمان، اصلاً اسلام همین است (صنعتی، ۱۳۸۳، ص ۱۷۱).

این عمل‌زدگی افراطی را که استاد **مصباح یزدی** بدان اشاره کرده است، در کلمات گوناگونی از دکتر **شریعتی** مشاهده می‌کنیم:

من **گاندی** آتش پرست را بیشتر لایق شیعه‌بودن می‌دانم تا آیت‌الله **بهبهانی** و بدتر از او علامه **مجلسی**... **گورو بیچ** یهودی ماتریالیست کمونیست، به خاطر آنکه تمام عمر را علیه جاهلیت فاشیسم **هیتلر** و دیکتاتوری **استالین** و استعمار نظامی ارتش سرّی فرانسه، برای اسارت مردم الجزیره و جلادهای صهیونیسم در قتل عام مردم فلسطین، در مبارزه و خطر و فرار و آوارگی دور دنیا زیست ... از مرجع عالیقدر شیعه، حضرت آیت‌الله العظمی **میلانی**، که تاکنون هرچه فتوا داده است، در راه تفرقه مسلمانان بوده یا کوبیدن هر حرکتی در میان مسلمانان و یک سطر در تمام عمرش علیه ۲۵ سال جنایت صهیونیست و هفت سال قتل عام

فرانسه و صد سال استعمار و صدها سال استبداد نوشته ... به مراتب به تشیع نزدیک‌تر است (صنعتی، ۱۳۸۳، ص ۱۸۲).

دکتر شریعتی به جهت همین عمل‌زدگی در اندیشه دینی و تلاش در دنیایی‌کردن دین، حتی بعضی از مفاهیم اعتقادی را تفسیر دنیایی می‌کند. اعتقادات دینی، مفاهیم و گزاره‌هایی‌اند که باید به لحاظ عقلی و قلبی به آنها باور داشت و در رتبه بعد، این باور و اعتقاد در زبان و عمل بروز خواهد کرد. اعتقادات اولاً، یک عقد قلبی و یک دریافت صحیح و منطبق با واقع از هستی و مسائل پیرامون آن، از جمله انسان، مبدأ و معاد است. در نگاه دینی، ایمان از مراتبی تشکیل شده است که اول باور قلبی، سپس اقرار زبانی و در نهایت عمل خارجی است، ولی در دیدگاه آقای شریعتی، گاهی توجه به کارکردهای دین چنان پُررنگ می‌شود که مفاهیم اعتقادی فقط بر اساس عمل خارجی تفسیر می‌شوند و فهم حقیقی از هستی و باور منطبق با واقع، در آن نقشی ندارد. در واقع این اشتباه و افراط، نقطه مقابل اشتباه دیگری است که افرادی همچون مرجئه در تفسیر دین و ایمان بدان مبتلا شدند و ایمان را فقط در عقد قلبی، هرچند بدون ظهور بیرونی دانستند؛ برای مثال ایشان عدل را که از اصول دین و مسائل اعتقادی دین است، به معنای عدل الهی نمی‌داند، بلکه تفسیری دنیایی از آن ارائه می‌دهد؛ بدین صورت که عدل را به معنای عدالت اجتماعی و عادل بودن مسلمانان و جهانیان در دنیا معنا می‌کند:

اصل عدل که ما می‌گوییم اصول مذهب ماست، به این معنا که ما می‌فهمیم که «خدا عادل است و ظالم نیست» معنا ندارد. ما که برای خدا نمی‌توانیم تکلیف معلوم کنیم! هرکاری که خدا می‌کند، مسلماً بر اساس عدل است، ولو ما عدالتش را نفهمیم. «خدا عادل است و ظالم نیست» یعنی یکی از صفات قطعی و ذاتی جبری هستی، عدل است؛ بنابراین اگر در جامعه‌ای ظلم وجود دارد، حالت طبیعی ندارد، حالت موقتی است، عرضی است، نابودشدنی است. حالت طبیعی جامعه، حالت عدل است، برای اینکه عدل نظام جهان است (شریعتی، ۱۳۷۸، ج ۲۹، ص ۲۰۴).

اگرچه عدالت اجتماعی از دستوره‌های اکید اسلام است، ولی برای بیان اهمیت این مسئله نباید یک مسئله اعتقادی را دچار انحراف کرد. عدل الهی در تفسیر مسلم نزد علما، همان صفت عادل بودن خدای متعال و ظلم‌نکردن است^۱ و همین معنا در نصوص دینی ما مطرح شده است:

۱. العدل و یراد به الإعتقاد بأن الله سبحانه لا یظلم أحداً و لا یفعل ما یتقیحه العقل السلیم (آل کاشف‌الغطاء، ۱۴۱۳، ص ۷۵).

برای مثال امام علی علیه السلام در تفسیر عدل، منزه دانستن و متهم نکردن خدا به افعال قبیح را مطرح فرمود: «وَسُئِلَ عَنِ التَّوْحِيدِ وَالْعَدْلِ فَقَالَ: التَّوْحِيدُ أَلَّا تَتَوَهَّمَهُ وَالْعَدْلُ أَلَّا تَتَّهَمَهُ» (نهج البلاغه صبحی صالح، ۱۴۱۴، ج ۴۷۰). امام علی علیه السلام با اینکه خود بزرگ‌ترین منادی عدالت اجتماعی است، دچار عمل‌زدگی نیست و عدل را به همان معنای اعتقادی و معرفتی تفسیر می‌فرماید.

این عمل‌زدگی دکتر شریعتی، تاندازه‌ای است که از بعضی سخنان ایشان این‌گونه برمی‌آید که به لحاظ مبانی معرفت‌شناسی، به پراگماتیسم گرایش دارد و اصلاً ملاک حقانیت را در فایده عملی خارجی مسائل می‌داند. اکنون یکی از عبارات ایشان در این باره را ذکر می‌کنیم:

به قول عیسی، هر درختی را از ثمرش باید شناخت و ثمرات شجره اعتقادی ما این نیست؛ پس بیاییم به جای اینکه به حل مشکلات ذهنی و کلامی - که غالباً خودمان آنها را می‌تراشیم - بپردازیم، از دید دیگر مسئله را مطرح کنیم؛ بدین ترتیب که از همان اول از خودمان و از کسی که یک عقیده اسلامی را بیان می‌کند، بپرسیم: فایده‌اش چیست؟ برای چه گفته شده؟ چه تأثیری بر جامعه و سرنوشت فردای ما دارد؟ و اعتقاد یا عدم اعتقاد به آن، علاوه بر آثار اخروی، در زندگی پیش از مرگ ما چه اثری داراست؟ چون معتقدیم که اسلام دین زندگی است و کهنه نشده، یعنی هر قصه‌ای که در قرآن هست و هر عقیده‌ای که در اسلام و مذهب تشیع مطرح است، باید در زندگی امروزی و سرنوشت فردی و جمعی‌مان، در آگاهی‌مان، در عزت و شخصیت و استقلال‌مان، نقشی داشته باشد و کسانی که به آن معتقد نیستند، از اثرش محروم هستند. اگر چنین بود، پس نوع برداشت مسئله درست است، والا اگر هزار دلیل هم داشته باشد، غلط است ... (شریعتی، ۱۳۷۸، ج ۱۹، ص ۲۷۳).

این سخنان شریعتی بسیار شبیه سخنان ویلیام جیمز، یکی از پایه‌گذاران پراگماتیسم در باب لاینحل بودن نزاع‌های متافیزیکی و لزوم مراجعه به پیامدهای عملی هر تفکر، برای حل معضلات فکری (ویلیام جیمز، ۱۳۸۶، ص ۴۰) می‌باشد. یکی از مهم‌ترین اشکالات این نگاه، نسبییت در حقانیت است (بیات، ۱۳۸۱، ص ۹۳). بر اساس این دیدگاه، یک دین می‌تواند زمانی حق و زمان دیگری باطل باشد یا اینکه در یک زمان برای عده‌ای حق و برای عده دیگری باطل باشد که این مسئله در تفکر اسلامی پذیرفته نیست.

۴-۲. عمل‌زدگی در اندیشه دکتر پاک‌نژاد

مهم‌ترین اثر دکتر پاک‌نژاد، کتاب *اولین دانشگاه و آخرین پیامبر* است. ایشان در این کتاب به تبیین علمی و بیان کارکردهای دستورهای دینی - عمدتاً کارکردهای دنیایی - پرداخته است. وی به تناسب تخصص پزشکی، در محیط‌های علمی و دانشگاهی حضور داشته، شاهد پیشرفت مسائل علمی و تجربی بشری بوده است. در دوران زندگی ایشان، به موازات این پیشرفت‌های علمی، نوعی علم‌زدگی و دین‌گریزی نیز در میان قشر تحصیل کرده و دانشگاهی به وجود آمده بود که افرادی تحت تأثیر مسائل علمی و فضاهای عمدتاً سکولار و ازسویی به جهت عدم آشنایی درست با مسائل دینی، این‌گونه تصور می‌کردند که دین با دنیای متمدن جدی سازگار نیست و با پیشرفت‌های علمی در علوم گوناگون، ناکارآمدی دین در عرصه زندگی دنیایی انسان‌ها روشن شده است؛ بنابراین ما در امور دنیایی، به جای کسب برنامه از دین، باید به سراغ علم جدیدی برویم و دین فقط در مسائل معنوی و ارتباط با خدای متعال کارایی دارد.

در چنین فضایی، دکتر پاک‌نژاد با دغدغه‌های دینی و باورهای مذهبی خود، به دفاع از دین در این باره پرداخت و نشان داد دین نه تنها مانع پیشرفت‌های علمی نیست، بلکه خود عامل پیشرفت در علم و سبب آبادانی زندگی دنیایی انسان خواهد بود. وی کوشید با بیان کارکردهای دنیایی دین، به خصوص در مسائل پزشکی و عمرانی، به جامعه علمی و عموم افراد نشان دهد که دین از کارایی بالایی در اداره زندگی دنیایی انسان‌ها برخوردار است.

براین اساس نخستین انگیزه دکتر پاک‌نژاد در استفاده از روش کارکردی در مسائل دینی، نشان دادن عدم تنافی میان دین و علم و کارایی دین در اداره زندگی دنیایی انسان بوده است (پاک‌نژاد، ۱۳۶۱، ج ۲، ص ۳۰۲).

دومین انگیزه ایشان در بیان کارکردهای دستورهای دینی، تشویق مؤمنان به رعایت بیشتر دستورهای دینی و با میل و رغبت عمل کردن به آنهاست. بیان این کارکردها به نوعی در سطح عموم افراد، سبب دل‌بستگی بیشتر و رغبت در انجام دستورها می‌شود.

دکتر پاک‌نژاد نیز با توجه به همین نکته، از تخصص پزشکی خود استفاده کرده، به بیان کارکردهای بعضی از دستورهای دینی پرداخته است تا این خدمت را به جامعه اسلامی کرده باشد. ایشان در این باره می‌گوید:

هر کس دوره کتاب‌های *اولین دانشگاه و آخرین پیامبر* را مورد مطالعه

قرار دهد، اگر متدین است، لذت واقعی خود را درک می‌کند، گویا جلال و جبروت آسمان‌ها بر او فرومی‌ریزد و وظیفه خود را نسبت به ساختمان بدن خویش احساس می‌کند (همان، ص ۳۰۳).

یکی از نکات مثبت در روش دکتر پاک‌نژاد این است که ایشان اگرچه حکمت مادی و دنیایی دستورهای اسلام را بررسی می‌کند، ولی گاهی به مخاطب تذکر می‌دهد که انجام دستورهای اسلامی، متوقف بر کشف این حکمت‌ها نیست و ما فروع دین را هرچند به حکمت فردی یا اجتماعی آن پی ببریم یا نبریم، باید اطاعت کنیم و انجام دهیم (همان، ص ۸۳).

با وجود نکات مثبتی که در بیانات ایشان وجود دارد، متأسفانه به دلیل عدم روش صحیح در فهم متون دینی و خروج از ضوابط استفاده از روش عمل‌گرایی و بیان کارکردهای تکالیف عملی، ایشان نیز در اندیشه خود دچار لغزش‌هایی شده‌اند و به نوعی عمل‌زدگی دچار شده‌اند. مهم‌ترین این لغزش‌ها، تفسیر به رأی درباره دستورات و بیانات دینی و افراط در تطبیق دستورهای دینی با کشفیات تجربی و علمی است. در ادامه به برخی از موارد ابتلا به این لغزش‌ها در کلمات ایشان اشاره می‌کنیم.

وی در بحث بهداشت شهر، در پاسخ به این پرسش که «چرا مسلمانان بدن اموات را دفن می‌کنند؟ آیا این امر خلاف بهداشت نیست که اجساد آلوده به میکروب در خاک گذاشته شود و به دیگران سرایت کند؟ آیا بهتر نیست اینها سوزانده شود؟» این‌گونه مطرح می‌کند که یکی از کارکردهای این دستور - دفن اموات - جلوگیری از زمین‌مردگی است و دفن اموات در خاک، درواقع مواد لازم برای سلامت زمین را تأمین می‌کند و به نوعی، کود برای زمین است. مواد معدنی بدن انسان - که از مواد آلی است - به وسیله میکروب‌ها تجزیه می‌شود و به مصرف گیاهان می‌رسد.

عجیب اینکه ایشان درباره عدم نیاز بدن شهید معرکه به غسل و کفن، می‌گوید:

چون سرباز در معرکه به بیماری میکروبدار عفونی نمرده است و از سوی دیگر، خستگی و کوفتگی جنگ در وجودش اسید لاکتیک ایجاد نموده که خود، سم شدید و میکروبدار است، لازم نیست جسدش را در دو پارچه پیچید و دفن او با لباس‌های اشکالی ندارد (همان، ص ۵۳-۶۰)

ناگفته پیداست که بیان این‌گونه کارکردها برای دستورهای دین، علاوه بر اینکه هیچ‌گونه مدرک

و مستند دینی ندارد، منشأ مشکلاتی برای دین خواهد شد؛ از جمله اینکه اگر در آینده تحقیقات علمی به این نتیجه رسید که بدن میت هیچ فایده‌ای برای زمین ندارد یا حتی مضر است و اتفاقاً سوزاندن بدن میت بهتر است - چنان که نمونه‌های زیادی در این باره وجود دارد که تحقیقات علمی گاه به نتایج کاملاً متناقض با گذشته دست یافته است - آیا باید از این حکم الهی دست برداشت؟! آیا باید به ناسازگاری دین با تحقیقات علمی اعتراف کرد؟!

نمونه دیگری از آفات کارکردگرایی در اندیشه دکتر پاک‌نژاد را در ذیل بیان می‌کنیم.

بی‌شک روزه‌گرفتن خواص جسمی و روحی زیادی به دنبال دارد و توجه‌دادن به این خواص و آثار مادی و معنوی نیز هریک در جای خود مفید، بلکه لازم است. توجه به آثار مادی روزه همچون استراحت دستگاه گوارش و در نتیجه سلامتی بدن، همچنین توجه به آثار اجتماعی مانند درک حال مستمندان و رسیدگی به آنها و نیز آثار معنوی آن همانند حصول تقوا و یادآوری روز قیامت و... باید توجه شود؛ چنان که در روایات مربوطه، کارکردهای گوناگونی برای روزه بیان شده است.

اما باید توجه کرد که نصوص دینی، اگر هم به خواص دنیایی یا مادی روزه توجه داده‌اند، بیشتر توجه روزه‌دار را به کارکردهای معنوی و اخروی آن معطوف ساخته‌اند؛ مثلاً در روایت شریف امام رضا علیه السلام در کنار چند اثر معنوی و اخروی، به یک اثر اجتماعی آن یعنی درک حال مستمندان که نتیجه آن، انفاق و رسیدگی به حال محرومان و بسط عدالت اجتماعی می‌باشد، اشاره شده است، گرچه همین اثر نیز به نوعی بازگشت به مسائل معنوی و اخروی دارد.

متأسفانه بعضی از افراد به جهت افراط در روش کارکردگرایی و یافتن کارکردهای دنیایی برای دستورهای دینی، به مسیر اشتباهی رفته‌اند و دچار آفات این روش شده‌اند.

به نظر می‌رسد دکتر پاک‌نژاد نیز از این مسئله در امان نبوده است. تلاش فراوان وی در جلد سوم کتاب **اولین دانشگاه و آخرین پیامبر**، برای بیان اینکه روزه و احکام آن برای تعدیل بخشیدن به سیستم گوارش و سیستم ترشح اسیدهای درونی است، یا اینکه روزه راه خوبی

۱. عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانَ أَنَّ أَبَا الْحَسَنِ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرَّضَا عليه السلام كَتَبَ إِلَيْهِ فِي مَا كَتَبَ مِنْ جَوَابِ مَسَائِلِهِ عَلَيْهِ عِلْمُهُ الصَّوْمِ لِعِرْفَانَ مَسِّ الْجُوعِ وَالْعَطَشِ لِيَكُونَ الْعَبْدُ ذَلِيلًا مُسْتَكِينًا مَا جُورًا مُحْتَسِبًا صَابِرًا فَيَكُونَ ذَلِكَ دَلِيلًا عَلَى شِدَائِدِ الْآخِرَةِ مَعَ مَا فِيهِ مِنَ الْإِنْكَسَارِ لَهُ عَنِ الشَّهَوَاتِ وَأَعْظَمَ لَهُ فِي الْعَاجِلِ دَلِيلًا عَلَى الْآجَلِ لِيَعْلَمَ شِدَّةَ مَبْلَغِ ذَلِكَ مِنْ أَهْلِ الْفَقْرِ وَالْمَسْكِنَةِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ (ابن بابویه، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۳۷۸).

برای درمان چاقی و دیابت است، گواه این مطلب می‌باشد.

به این عبارات توجه کنید:

یک قسمت عمده از خواص روزه، ارزش درمانی آن است که به یک مورد آن (درمان دیابت با روزه) اشاره شد (همان، ج ۳، ص ۹۰).
اینکه در دستورات اسلامی است، مسافر قبل از ده روز - با شرایطی - روزه نگیرد، به همین علت است که هنوز آب و هوا و محیط خود را انتخاب نکرده است و کمتر از یک قصد (ده روز) عناصر موجود در محیط در تغییر مزاج و تصفیه‌اش اثر کامیابی خود را نبخشیده است (همان، ص ۵۴).

ایشان برای بیان این کارکرد در روزه و احکام آن، که روزه به‌نوعی باعث انطباق با محیط اطراف می‌باشد، این‌گونه به ورطه تفسیربه‌رأی افتاده است. واقعاً چه دلیل قابل قبولی می‌توان برای این بیانات یافت؟

براین‌اساس به‌طور خلاصه می‌توان گفت دکتر پاک‌نژاد با انگیزه‌های صحیحی، به استفاده از روش کارکردگرایی در تبیین دستورهای دینی اقدام کرده، در این‌باره توفیقاتی نیز داشته است، ولی به‌دلیل رعایت‌نکردن ضوابط خاص، در استفاده از این روش دچار لغزش‌هایی نیز شده است.

نتیجه

اگرچه توجه به آثار عملی و دنیایی آموزه‌های دینی، فواید و برکاتی دارد، ولی رویکرد کارکردگرایانه به دین باید با ضوابط و ملاک‌ها منطبق باشد تا در دام عمل‌زدگی و آفات آن در تبیین دین گرفتار نشویم.^۱ برخی روشنفکران معاصر همچون دکتر شریعتی، مهندس بازرگان و دکتر پاک‌نژاد به‌دلیل غفلت از همین مسئله در استفاده از روش عمل‌گرایی در تبیین معارف دین، به ورطه عمل‌زدگی و مضرات این روش افتاده‌اند.

غفلت از اهمیت مباحث فکری و اعتقادی دین، به بهانه تأکید بر دستورهای عملی دین و تفسیربه‌رأی در معارف و تکالیف دینی و فاصله‌گرفتن از حقیقت معارف دینی و اهداف بلند آنها، از جمله مضرات و لغزش‌های نگاه افراطی به کارکردهای معارف دینی (عمل‌زدگی در اندیشه دینی) است.

۱. در مقاله دیگری به تبیین این ضوابط و ملاک‌ها پرداخته شده است (عبادی نیک، ۱۳۹۲، ص ۱۲۹-۱۴۶).

مراجعه به متون دینی، روش صحیح بیان کارکردهای معارف و تکالیف دینی را به ما می‌آموزد که درعین توجه به منافع دنیایی و کارکردهای مادی دین، از معارف عمیق اعتقادی و اهداف بلند معنوی و اخروی معارف دینی و نیز اصالت‌داشتن آنها - و تبعی‌بودن آثار دنیایی - نباید غفلت کرد.

منابع

- * قرآن کریم.
- ** نهج البلاغه.
۱. آل کاشف الغطا، محمدحسین؛ أصل الشيعة و أصولها؛ بيروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۳ق.
 ۲. ابن بابویه، محمدبن علی؛ ثواب الأعمال و عقاب الأعمال (تک‌جلدی)؛ چ ۲، قم: دارالشریف الرضی للنشر، ۱۴۰۶ق.
 ۳. —؛ علل الشرائع (دو‌جلدی)؛ چ ۱، قم: کتابفروشی داوری، ۱۳۸۵.
 ۴. آذربایجانی، مسعود؛ روان‌شناسی دین از دیدگاه ویلیام جیمز؛ قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷.
 ۵. بازرگان، مهدی؛ مجموعه آثار؛ چ ۷، تهران: بنیاد فرهنگی مهندس بازرگان، ۱۳۷۹.
 ۶. بیات، عبدالرسول و جمعی از نویسندگان؛ فرهنگ واژه‌ها؛ قم: مؤسسه اندیشه و فرهنگ دینی، ۱۳۸۱.
 ۷. پاک‌نژاد، سیدرضا؛ اولین دانشگاه و آخرین پیامبر؛ تهران: بنیاد فرهنگی شهید پاک‌نژاد، ۱۳۶۱.
 ۸. جیمز، ویلیام؛ پراگماتیسم؛ ترجمه عبدالکریم رشیدیان؛ تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۶.
 ۹. خمینی، سیدروح‌الله؛ وصیتنامه سیاسی - الهی امام خمینی؛ تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۸.
 ۱۰. سبحانی‌نیا، محمد؛ کارکرد دین در زندگی بشر؛ قم: مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۷.
 ۱۱. شریعتی، علی؛ مجموعه آثار؛ چ ۴، تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۷۸.
 ۱۲. صانعی، سیدمهدی؛ پاکیزگی و بهداشت در اسلام؛ قم: مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۵.

۱۳. صنعتی، رضا؛ مصباح دوستان؛ قم: انتشارات همای غدیر، ۱۳۸۳.
۱۴. طباطبایی یزدی، سیدمحمدکاظم؛ العروة الوثقی (دو جلدی)؛ بیروت: مؤسسة الأعلمی للطبوعات، ۱۴۰۹ق.
۱۵. طباطبایی، سیدمحمدحسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن (بیست جلدی)؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ق.
۱۶. عباسی، علی و علی اکبر عبادی نیک؛ «ضوابط کارکردگرایی در نگاه به دین»، پژوهشنامه حکمت و فلسفه اسلامی؛ ش ۴۳، بهار ۱۳۹۲، ص ۱۲۹-۱۴۶.
۱۷. مجلسی، محمدباقر؛ بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام (۱۱۱ جلدی)؛ چ ۲، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۱۸. مطهری، مرتضی؛ مجموعه آثار؛ چ ۱۱، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۸۱.
۱۹. موسوی نسب، جلال و ساناز فرهت؛ گنجینه اسرار یوگا؛ تهران: انتشارات فردوس، ۱۳۸۰.
۲۰. نایینی، محمدحسین؛ فوائد الأصول (چهار جلدی)؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ق.
۲۱. همیلتون، ملکم؛ جامعه شناسی دین؛ ترجمه محسن ثلاثی؛ تهران: نشر ثالث، ۱۳۸۷.